

ژانر

جان فرو

مترجم: لیا میرصفیان



۱۳۹۸

سرشناسه: فرو، جان، ۱۹۴۸ - م. Frow, John
عنوان و نام پدیدآور: ژانر/ نویسنده: جان فرو؛ مترجم: لیلا میرصفیان.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۷۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۸۲۵-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Genre, 2nd. ed, 2015.
یادداشت: چاپ قبلی: کنکاش، ۱۳۹۲ (۲۵۲ ص.).
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۵] - ۲۴۴.
موضوع: انواع ادبی / Literary form
موضوع: فرهنگ / Culture
موضوع: گفت‌مان / Discourse analysis
شناسه افزوده: میرصفیان، لیلا، ۱۳۴۲ - ، مترجم
شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co
رده‌بندی کنگره: PN۲۵/۵
رده‌بندی دیویی: ۸۰۸
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۹۱۸۱۰

ژانر

نویسنده: جان فرو
مترجم: لیلا میرصفیان
چاپ: ۱۳۹۸
شماره: ۱۰۰۰ نسخه
حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،
پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۸۸۸۰۱۵۲؛ فکس: ۸۸۸۸۰۱۵۱
آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir - info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.elmifarhangi.com

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه
گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰-۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵-۱۶ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن:

۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

فهرست مطالب

هفت	سیاس‌گزاری
نه	پیش‌گفتار بر ترجمه فارسی ژانر
یازده	مقدمه
۱	فصل اول: به سوی ژانر
۱	مسائل آغازین
۱۰	موقعیت ژانر
۱۸	عملکرد ژانر
۲۶	دسته‌ها و اعضوها
۳۷	فصل دوم: ژانرهای ساده و پیچیده
۳۷	صورت‌های ساده: چیستان
۵۳	پیچیدگی ژانری
۶۰	نقل و بینامتنیت
۶۹	فصل سوم: نظریه ژانر ادبی
۶۹	ژانر یعنی رده‌شناسی
۷۷	حالت‌های بازنمایی: افلاطون و ارسطو

۸۱	صورت‌های طبیعی
۸۹	ژانرها و حالت‌ها
۹۵	شاعرانگی و تاریخ

۱۰۳	فصل چهارم: دربرداشتگی و معناداری
۱۰۳	ابعاد ساختاری ژانر
۱۱۰	دربرداشتگی و پیش‌فرض
۱۱۸	ژانر به منزله شما
۱۲۳	واقعیت‌های ژانری: فلسفه
۱۳۱	واقعیت‌های ژانری: تاریخ

۱۴۳	فصل پنجم: ژانر، تعبیر
۱۴۳	خوانش ژانر
۱۴۷	چارچوب
۱۵۶	سرنخ‌های ژانری
۱۶۳	استعاره‌های ژانر

۱۷۷	فصل ششم: نظام و تاریخ
۱۷۷	نظام‌های ژانر
۱۸۴	هم‌زمانی و درزمانی
۱۹۶	ژانرکاری
۱۹۹	ژانرهای نوپدید
۲۱۶	آموزش ژانر

۲۲۵	واژه‌نامه
۲۳۹	منابع

پیش گفتار بر ترجمه فارسی ژانر

ترجمه شدن کتاب آدم به زبان دیگر امتیازی فوق العاده اما کمابیش ترسناک است، چرا که شیوهٔ مدیشیدن زبان و فرهنگ مبدأ معنایایی را تولید می کند که نویسنده از مفهوم زبان در زبان و فرهنگ مقصد بی خبر است. از دید ما در غرب ایران پشت دیوارهای بسیاری پنهان شده است: دیوارهای تفاوت مذهبی، دیوارهایی که ستیزه جویی غرب آن ها را ساخته، دیوارهای پیش داوری و دیوارهای فرهنگی ناشناخته. البته در این سال ها که سینما یگانه صورت فرهنگ می باشد، می تواند به گونه ای که توانسته است با راحتی نسبی از مرزها بگذرد، دربارهٔ ایران چیزهای مفید بدهد. ادبیات کلاسیک سرزمین پارس اثری شگفت بر غرب گذاشته است: گوته شاهکار خود، دیوان غربی - شرقی، را در پیروی از آن ترجمه پارسی نوشته است، ترجمه انگلیسی فیتز جرالڈ از رباعیات عمر خیام، گو این که با اصل آن تفاوت بسیار دارد، اثری ممتاز به شمار می رود و مولوی بر طیف گسترده ای از نویسندگان غرب اثر کرده است. شاعران معاصرمانند چارلز تاملینسن، گالوی کینل، ویلیام متیوز و بسیاری

دیگر با پیروی از غزل شعر سروده‌اند. از همه این‌ها گذشته، هزار و یک شب، مجموعه حکایات عامیانه که خود به استعاره قصه‌گویی بدل شده، در قلب ادبیات اروپا نفوذ کرده است.

این کتاب درباره ژانرهای ادبی و غیرمستقیم درباره ترجمه است؛ ترجمه نه فقط به منزله کاربرد واژه‌های معادل که همچنین صورت‌های معادل (و روشن است که صورت‌ها هرگز تعادل کامل ندارند و ناچار باید همان قدر که کشفشان می‌کنیم، خلقشان کنیم). گذشته از این، این کتاب درباره بسیاری از ژانرهای غیرادبی است که زندگی روزمره را شکل می‌دهند: کار دسته‌بندی و قصه‌گویی و پیکربخشی؛ شوخی کردن و شیون کردن؛ نمادها و بی‌معنی‌سازی همه این‌ها سبب می‌شوند بتوانیم با افراد دیگر با جهان پیرامونمان در رابطه باشیم. این کتاب به همان اندازه که به برنامه‌ای آینده‌دار تلویزیونی توجه می‌کند به حماسه اروپایی یا پارسی نیز می‌پردازد و به هر دو را به یک اندازه شایسته بررسی و واکاوی می‌داند. اسجیل رفرآن را متن‌هایی می‌داند که ژانروار شکل گرفته‌اند و می‌انگارد که مذمب، بلندسایر حوزه‌های زندگی، با صورت‌هایی سازمان یافته که در قالب‌های گفتار نهفته می‌شود. این کتاب جهان سیاست، اخلاق، فلسفه و علم را در حوزه‌ای عمل و دانش بلکه حوزه‌هایی می‌داند که به شیوه‌های کاملاً ریزه که در هر فرهنگ فرق می‌کند) با ژانر مختص خودشان شکل می‌گیرند. علاوه بر این که عمیقاً مدعی پررنگ بودن نقش ژانر در فهم زندگی بشری است. در پایان امیدوارم این کتاب بتواند بعضی از دیوارها را کنار بزند و شما نیز بتوانید مدعاهایش را همان‌طوری بفهمید که در فرهنگ من درک می‌شود.

جان فرو، ملبورن، ژوئن ۲۰۱۲

مقدمه

این کتاب درباره انواع ژانرهای گفتار، نوشتار، تصویر و اصوات ساختمند^۱ است: صورت‌ها، آوناگون گفتن، نوشتن، نقاشی کردن، مجسمه‌ساختن، معماری، موسیقی، و صورت‌هایی ترکیبی مانند فیلم، تلویزیون، اپرا، تئاتر و بازی‌های دیجیتال. کتابی است درباره‌ی این که ژانر چگونه به گفتمان کلامی^۲ و غیرکلامی و کشرهای همراهشان شکل می‌دهد و ساختی اجتماعی را در معنای سجانان.

به باور من همه‌ی متن‌ها در پیوند با یک یا چند ژانر شکل‌گرفته‌اند. می‌یابند و شاید به نوبه‌ی خود بتوانند آن ژانرها را نیز تغییر دهند. در بعضی از زمینه‌های نقد ژانر را اصطلاحی می‌دانند که به بعضی از متن‌ها اطلاق می‌شود و به بعضی‌ها نه. به همین دلیل در بحث درباره‌ی قیام‌ها، ژانری از ژانرهای مشخص مثل وسترن یا سرقت حرف می‌زنیم. در مورد نقاشی‌های ژانری سبکی را که نماهای روزمره را نشان می‌دهد می‌گذاریم در مقابل نقاشی‌هایی که مضمون تاریخی گسترده‌تری دارند و در بحث بر سر داستان‌های ژانری نیز بیشتر از ژانرهای

پر طرفداری مثل داستان پلیسی یا علمی تخیلی می‌گوییم. ژانر در این مفهوم نشان‌دهنده امری متعارف و کلیشه‌ای است. از این رو بدیهی است که چنین کاربردی بیانگر تمایزهای واقعی باشد، تمایزهایی میان کارکردهای متنی متفاوت، میان ساختارهای متفاوت مخاطبان و میان الگوهای متفاوت خوانش. اما این شیوه گفتن از ژانر را برای اهداف این کتاب نامناسب می‌دانم، چرا که حتی پیچیده‌ترین و کم‌کلیشه‌ترین شیوه‌ها هم در پیوند با ساختارهای ژانری به سطحی از شکل‌گیری و ساختارمند شدن می‌رسند که این شیوه گفتن از ژانر آن سطح را نامفهوم می‌کند. اصطلاح ژانر، آن‌طور که این‌جا به کارش می‌برم، یکی از ابعاد جهانی متن است.

این‌جا مسئله‌ام به گونه‌ی دسته‌بندی کردن ژانرها یا شناسایی آن‌ها نیست؛ این کتاب نه توصیف دسته‌بندی‌های موجود است و نه مهر تأییدی بر آن‌ها. طراحی آن با هدف جامعیت، یعنی دربرگیری مجموعه ژانرها، نبوده است زیرا بر این باورم که هیچ فهرست غالبی وجود ندارد. به جای تهیه توصیف مشروحی از همه ژانرهای موجود، سعی می‌کنم به کاربردهای ژانر بیندیشم: ژانرها به صورت عمل کار می‌کنند، با دسته‌بندی‌های ژانر چه کار می‌کنیم، ابعاد اجتماعی این دسته‌بندی‌ها چیست؟ به‌طور خاص، کتاب درباره این است که ژانرها چگونه فعالانه دانش جهانی را تولید می‌کنند و شکل می‌دهند. درباره این است که چگونه دانش‌هایی که به صورت ژانری شکل یافته‌اند در پیوند با دیگر با اِعمال قدرت قرار دارند؛ قدرتی که علاوه بر جاهای دیگر، درون گفتمان اِعمال می‌شود و هرگز کاملاً بیرون گفتمان نیست. در این مفهوم، ژانر را صورتی از عمل نمادین می‌دانم. سازماندهی ژانری زبان، تصویرها، حرکت بدن و صوت فعالانه به شیوه شناخت جهان شکل می‌دهد و رویدادها را رقم می‌زند.

بنابراین بحث اصلی کتاب این است که ژانرها فارغ از آن‌که

صرفاً صناعی «سبکی» باشند، آثاری از واقعیت و حقیقت، اقتدار و باورپذیری‌اند. در نوشتن تاریخ، فلسفه، علم، یا در نقاشی کردن، یا در حرف‌های روزمره شیوه‌های متفاوتی برای درک جهان وجود دارد و وجود این آثار برای این شیوه‌ها ضروری است. باین همه، این آثار ثابت و پایدار نیستند، چراکه متن‌ها — حتی ساده‌ترین و کلیشه‌ای‌ترینشان — «تعلق» به ژانرها نیستند، بلکه کاربرد آن‌ها هستند؛ نه با «یک» ژانر که با مجموعه‌ی موزی از ژانرها رابطه دارند و پیچیدگی‌شان از پیچیدگی این رابطه ناشی می‌شود. به همین ترتیب، کاربرد متن‌ها — «خوانش‌ها» — نیز به این مجموعه، موزم مربوط است و در تناسب با آن تعریف می‌شود. البته ناگاهانه — که خود این کتاب شکل ژانری دارد. خودتان داوری خواهید کرد که آیا توانسته‌ام «بیان شفاف را با دورنمایی ماجراجویانه و کاربردی گسترده»^۱ ترکیب کنم یا نه. مهم‌تر آن که امیدوارم با پایان یافتن کتاب به‌آید نوع جایگاه سخن‌گفتنی را بشناسید که از طریق این ژانر برای من و شما شکل گرفته است. همچنین امیدوارم نوع آثار دانش و حقیقت‌ناشی از این نوع جایگاه را نیز درک کرده باشید. روشن است آرزو مندم از طریق این، اندکی فراتر را ببینید.

ترتیب کتاب به این صورت است: در فصل نخست، «به سوی ژانر»، مسائلی را مطرح می‌کنم که به نظرم مسائل اساسی اندیشیدن به ژانر هستند؛ مسائلی درباره‌ی این که ژانرها چگونه ساختارهای دانش را فرامی‌خوانند و در خود می‌گنجانند، درباره‌ی انواع دست‌بندی‌هایی که به آثار نظم و ترتیب می‌دهند، درباره‌ی تفاوت و تداوم تاریخی و درباره‌ی انواع اعمالی که ژانرها در جهان انجام می‌دهند. تثبیت فیزیکی ساختارهای ژانر در طبقه‌های کتاب‌فروشی، نظام‌های پوشه‌سازی، راهنماهای تلویزیون و حرف‌های روزمره و نیروی سازمان‌دهنده‌ی آن‌ها

۱. این عبارت بخشی از پیش‌گفتار ویراستار مجموعه‌ای است که این کتاب عضوی از آن

در زندگی روزمره را بررسی می‌کنم. این موضوع را مطرح می‌کنم که ژانرها چگونه با موقعیت‌های تکراری پیوند می‌خورند. سعی می‌کنم با اشاره به دو موضوع بر این نکته تأکید کنم که ژانرها صورت‌های ثابت و از پیش مشخصی نیستند. نخست آن که متن‌ها عملکرد ژانرها هستند نه بازتولید دسته‌ای که به آن تعلق دارند. دوم آن که در تأکید بر اهمیت مرزها و کناره‌ها — یعنی در تأکید بر ناکرانمندی چارچوب‌های ژانری — از دریدا پیروی می‌کنم.

در فصل دوم، «ژانرهای ساده و پیچیده»، مفهوم برخی «صورت‌های ساده»ی متنی را مطرح می‌کنم که از باخترین^۱ و یولس^۲ گرفته‌ام. در نظر آنها این صورت‌ها قالب‌های سازندهٔ صورت‌های پیچیده‌تر به شمار می‌روند. همچنین ژانر چيستان را بررسی می‌کنم تا ببینم آن مفهوم چطور عمل می‌کند. این که گرچه از بعضی جهات سودمند است، نمی‌توان همیشه به کارش برد زبانی به ظاهر پایه‌ای‌ترین صورت‌ها نیز آثار پیچیده‌ای پدید می‌آورند. باین همه، امیدوارم در طول این روند مطالب جالبی دربارهٔ طرز عمل چيستان و به‌طور کلی‌تر، دربارهٔ شیوهٔ ساختار یابی ژانرها بگویم. باین که این بررسی به ای‌من می‌گشاید، کندوکاو روابط میان ژانرهاست؛ چیزی که در نظرم ویژگی اصلی چگونگی کارکرد ژانرهاست. به مثابه نمونه‌ای از این رابطه، انگاهی به نقل قول غیر مستقیم می‌اندازم و سپس انگاهی کلی‌تر به نقل قول سایر صورت‌های بینامتنی خواهم انداخت که از نظر من فرایندهای اصلی متنیّت را روشن می‌سازند.

فصل سوم، «نظریهٔ ژانر ادبی»، با تمرکز بر کارکردهای دسته‌بندی ژانر و جای دادن این کارکردها در بافت کلی دسته‌بندی انسانی آغاز می‌شود. نگاه کوتاهی می‌اندازم به مدل‌های زیست‌شناسیک رده‌شناسی

و همچنین به برخی استعاره‌هایی که ژانر را از طریق آن‌ها فهمیده‌اند: استعاره‌های خانواده، گونه‌ها، قرارداد، کنش گفتاری^۱ و از این دست. بیشتر فصل به شرحی تاریخی دربارهٔ نظریهٔ ژانر می‌پردازد، از بوطیقای افلاطون و ارسطو و ایدهٔ رمانتیک مجموعهٔ کوچکی از «صورت‌های طبیعی» گرفته تا چندین شرح معاصر که دربارهٔ گونه‌گونی و تاریخ‌مندی ژانرها هستند. در باور به تمایز میان ژانرها و حالت‌ها^۲ از فاولر^۳ و دیگران پیروی می‌کنم، و در انتهای فصل به دنبال آنم که منطق‌های متفاوت موجود در ژانر را دربارهٔ ژانر را تلفیق کنم، هم از لحاظ بوطیقا (شرحی نظام‌مند از ساختارها) و هم از لحاظ توصیف تاریخمند از ژانرهایی که وجود داشته‌اند.

در فصل چهارم «دربارهٔ اشتگی و معناداری»، برخی از نتیجه‌گیری‌های موقتم را مطرح می‌کنم. این کار را با طرح‌ریزی سه جنبهٔ همپوشاننده انجام می‌دهم که از نظر من ژانر با این سه جنبه سازمان می‌یابد و برخی ژانرهای خاص نیز از طریق این سه جنبه آثار واقعیت و اقتدارشان را پدید می‌آورند. جنبهٔ سازمان‌صوری، جنبهٔ ساختار بلاغی و جنبهٔ محتوای درون‌مایه‌ای. به عبارت دیگر چگونگی شکل‌گیری ژانرها، جایگاه‌های سخنگویی‌ای که فراهم می‌کنند و این که معمولاً راجع به چه چیزند. پس از آن نوبت آن است که بدانیم این ساختارها چگونه «جهان‌های ژانری» ویژه‌ای را فرامی‌خوانند. ساختارهای کم‌وبیش منسجمی از مطالب آمده از دانشی پیش‌فرض که ژانرها به یکباره آن‌ها را یادآوری و تقویت می‌کنند. نظریه‌هایی از فلسفهٔ زبان طبیعی و روان‌شناسی شناخت^۴ را، گرچه با حالتی تقریباً ناقده، به کار می‌گیرم تا از پردازش اطلاعات بگویم و اثبات می‌کنم که ژانر محور سازمان اجتماعی دانش است.

1. speech act

2. mode

3. Fowler

4. cognitive psychology

در باقیمانده این فصل نگاهی کوتاه و کلی می‌اندازم به این که چگونه ژانرهای گوناگون فلسفه و تاریخ دانش‌های رشته‌ای دانشگاهی را به طرزی ویژه و متمایز سازمان می‌دهند.

فصل پنجم، «ژانر و تعبیر»، این موضوع را بررسی می‌کند که ژانر مجموعه‌ای از اشاره‌هاست؛ اشاره‌هایی که خوانش ما را از متن هدایت می‌کنند. در این جا اهمیت چارچوب را نشان می‌دهم و برای بیان دو نکته آن را به کار می‌برم: این که چگونه تفاوت‌های درون ژانر را تشخیص می‌دهیم و این که اشاره‌ها ماهیتی بافتی دارند. فصل با چند نمونه متن پیش می‌رود تا ارتباط میان متن ساختمانده و فرایند خوانش را بررسی کند. فرایند خوانشی که به نیت‌های راهبردی متن پاسخ می‌دهد، البته شاید به نیت‌های شریخش از آن‌ها چشم پوشد. ژانر یکی از راه‌هایی است که متن‌ها می‌خواهند تولید در ارتباط را به کمک آن کنترل کنند و شاید این کار را با نشان دادن طایفه از خود صورت دهد با مدل‌هایی که بگویند چگونه باید آن را بخوانند. باین همه، پیچیدگی ژانر به این معناست که هرگز نمی‌توان این مدل‌ها را رهنمون‌هایی روشن دانست و در واقع این که هرگز نمی‌توان نگرش ذات‌مندی بر حریانی یک‌طرفه میان ژانر و متن را خیلی سودمند انگاشت.

بالاخره در فصل ششم، «نظام و تاریخ»، به این موضوع می‌پردازم که ژانرها فقط در نسبت با ژانرهای دیگر وجود دارند و این نسبت‌ها همیشه دارای ترتیبی کم‌وبیش نظام‌مندند. ژانرها به مجموعه موجز زیربافتند: مجموعه‌ای از جایگاه‌های به هم وابسته که جهان دانش و ارزش را سازمان می‌دهند. باین همه، محتوای این نظام‌ها و ژانرهای خاص درونشان پیوسته در تغییر است. در ادامه نگاهی می‌اندازم به پیشینه صورتی بوطیقای به نام سوگ‌نامه تا نشان دهم، که ضمن دگرگونی رابطه‌های میان این صورت بوطیقای و سایر صورت‌ها، برخورد با این تغییرها در موقعیت‌های تاریخی متفاوت چگونه بوده است. بابه کارگیری

نمونه‌هایی از فیلم‌های هالیوود، بیشتر به شالوده‌جافتاده‌ای می‌پردازم که ژانرها از آن طریق پدید می‌آیند و اقتدار و اهمیت می‌یابند. با نگاهی به سه ژانر دیجیتال (ویلاگ، ایمیل و ریزویلاگ)، پیدایش ژانرهای تازه را بررسی می‌کنم و در پایان کتاب این پرسش‌های راجع به ژانر را به کلاس درس برمی‌گردانم که صورت‌های ژانر در آن به طرزی بسیار به ادین انتقال می‌یابند؛ جایی که ضمن یادگیری فرهنگمان، اندیشیدن به ژانرها و اندیشیدن در میان آن‌ها را می‌آموزیم.